

نقش آگاهی در جرائم مستوجب حد در قانون مجازات اسلامی ایران

مقدمه:

بر مسئولیت کیفری تأثیری دارد یا خیر؟ قلمرو تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری در حقوق جزای جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ پرسشهایی هستند که هدف ما در این مقاله تعیین تأثیر جهل و قلمرو آن بر مسئولیت کیفری در این خصوص میباشد.

شایان ذکر است، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نویسندگان و اساتید حقوق با تصویب قانون مجازات اسلامی و توجه خاص قانونگذاران به منابع فقهی و شرعی، نتوانسته‌اند مبنای صحیح و دقیقی راجع به تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری اتخاذ نمایند.

وجود قاعدهٔ دره (تدرأ الحدود بالثبہات) و حدیث رفع در نظام کیفری اسلامی که منبع اصلی حقوق جزای جمهوری اسلامی ایران در جرایم مستوجب مجازات حد، قصاص، دیات و تعزیرات میباشد، باعث گردیده است،

در حقوق جزای عرفی (غیراسلامی) اغلب کشورها با اعتقاد به عدم تأثیر جهل حکمی بر مسئولیت کیفری قاعده «جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست» را بادلثلاث گوناگون پذیرفته‌اند.^(۱) به این معنی که پس از تصویب و انتشار قانون، فرض بر این است که عموم افراد از وجود آن مطلع شده‌اند و کسانی که در مقام آگاه شدن از قانون برنیامده‌اند مسلماً در این راه مسامحه و سهل‌انگاری کرده‌اند.

در ایران، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به موجب ماده ۲ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ و همچنین حکم شماره ۲۹۳ مورخ ۱۳۱۷/۲/۲۰ دیوان عالی کشور، ادعای جهل به قانون مسموع نبود.^(۲)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آیا در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، جهل

(۱) - قانون جزای فرانسه ماده ۲، قانون جزای اتریش مواد ۸۱ و ۸۲، قانون جزای ایتالیا ماده ۲۲، قانون جزای پرتغال ماده ۷۹، قانون جزای آلمان ماده ۵۹، قانون جزای مصر ماده ۲۶ و ...
(۲) - ر.ک. مجموعه آراء قضائی، احمد متین ص ۲۸۸.

فایده هرگونه ویژگی خاص برای وجه تمایز با دیگر جرائم مستوجب حد می‌باشد، لذا به نظر می‌رسد عمده دلیل ذکر این سه نوع جرم و تأثیر جهل بر آن، صرفاً ذکر آنها در منابع معتبر فقهی و اسلامی می‌باشد. به دیگر سخن، از آن جایی که در فقه اسلامی فقط در موارد خاص (زنا، شراب و سرقت) تأثیر جهل حکمی و موضوعی ذکر گردیده است در قانون مجازات اسلامی نیز به همین موارد بسنده شده و نسبت به بقیه جرائم (لواط، مساحقه، قوادی، قذف، محاربه و افساد فی الارض) سکوت شده است در حالی که ضرورت داشت قانونگذار قلمرو تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری در این نوع جرائم را نیز مشخص می‌کرد.

گفتار اول: جرم زنا

باتوجه به تعریف جرم زنا که در ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی آمده است: «زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دبر باشد، در غیرموارد وطی به شبهه» علم به حرمت زنا و ممنوع بودن آن، از شرایط تحقق موضوع زنا لحاظ گردیده است. بدیهی است تا زمانی که موضوع زنا محرز و محقق نشده باشد، حکم (حد زنا) وجود پیدا نمی‌کند تا بر مرتکب و زانی جاهل تحمیل گردد. تعریف مذکور از تعاریف فقهای اسلامی

حقوقدانان به روشنی نتوانند نسبت به قاعده جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست در حقوق جزای ایران اعلام نظر کنند چرا که به عقیده آنها در حقوق جزای عرفی (غیراسلامی) جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست اما در حقوق جزای اسلامی که قانون مجازات اسلامی متأثر از آن است با وجود قاعده درء و حدیث رفع جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری می‌باشد.^(۱)

قانونگذار در کتاب اول قانون مجازات اسلامی (که ۶۲ ماده دارد) نسبت به جهل و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری ساکت است اما در کتابهای دوم (حدود) سوم (قصاص) و پنجم (تعزیرات و مجازات بازدارنده) درمواد مختلف جهل حکمی و موضوعی را مورد عنایت قرار داده است که در این مقاله «نقش آگاهی در جرایم مستوجب حد» را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم.

انواع جرائم مستوجب حد در قانون مجازات اسلامی عبارت است از: زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف، مسکر، محاربه و افساد فی الارض و سرقت.

قانونگذار در جرم زنا، شراب و سرقت با ذکر موادی، جهل حکمی و موضوعی را پذیرفته و متعرض دیگر جرائم مستوجب حد نشده است. باتوجه به اینکه جرم زنا، سرقت و شراب

(۱) - ر. ک. دکتر گرجی، ابوالقاسم. مقالات حقوقی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران مرداد ۱۳۷۲ ص ۲۹۶.

- دکتر فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سال ۱۳۶۹ ص ۲۷۵.

- دکتر نوربهاء، رضاد زمینه حقوقی جزای عمومی، قانون وکلای دادگستری مرکز، ۱۳۶۹ ص ۲۵۳.

- دکتر گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، جلد دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد) ۱۳۷۲ ص ۱۹۳.

- دکتر شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی جلد دوم، چاپ کیان، سال ۱۳۷۲ ص ۱۰۰.

بنابراین اگر کسی مسلمان بوده و در بلاد اسلام که حدود الهی در آن جاری می‌گردد، زندگی کند و ادعای جهل نماید از او پذیرفته نمی‌شود و بر فرض هم ثابت گردد که جاهل بوده است، معذور نیست و برای وی حد جاری می‌شود. مگر اینکه در حقیقت امر امکان فراگیری علم برای او وجود نداشته باشد.^(۱) مثل اینکه کسی در نقطه‌ای از ایران زندگی می‌کرده است که واقعاً نمی‌توانسته است دسترسی به قانون داشته باشد (نظیر نقاط دورافتاده کویری یا کوهستانی).

آیا صرف ادعای به جهل و اشتباه موجب پذیرش می‌گردد یا خیر یا اینکه باید دلیل بر صدق گفتار مدعی وجود داشته باشد؟ ماده ۶۶ قانون مورد بحث اشعار می‌دارد: «هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نمودند ادعای اشتباه و

اقتباس شده است و علم به حکم و موضوع زنا از شرایط ثبوت حد تلقی شده است. ماده ۶۴ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «زنا در صورتی موجب حد می‌شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد.»

از آن جایی که علم به حکم و موضوع آن در ماده مذکور مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است لذا کسی که جاهل به حکم و یا موضوع آن باشد، مبری از مسؤلیت کیفری بوده و مجازات بر او ثابت نمی‌شود.^(۱)

ماده قانونی مذکور، مطلق است یعنی، هم شامل جاهل قاصر می‌شود و هم جاهل مقصر، در حالی که جاهل مقصر باید به مجازات برسد. «... و به هر حال جهل وی نباید از روی تقصیر باشد زیرا جاهل مقصر معذور نیست.»^(۲)

(۱) - برای تعریف زنا مراجعه شود به:

(الف) شیخ نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، جلد ۲۱ ص ۲۵۸ کتاب حدود، حد زنا.

(ب) علامه حلی، تبصرة المتعلمین، کتاب حدود، حد زنا.

(ج) شهید ثانی، شرح لمعه جلد ۹ ص ۱۴.

(د) امام خمینی (ره) تحریر الوسیله جلد دوم ص ۴۵۵ حد زنا.

(ه) آیتا... خوبی، مبانی تکملة المنهاج جلد اول، کتاب حدود.

(و) شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی ترجمه محمدتقی دانش‌پژود ۱۲۴۳ هـ ش.

ص ۷۰۸.

(ز) شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، المسبوط جلد ۸ چاپ سوم المكتبة المرتضوية ۱۲۵۱ ش.

(ح) شیخ مفید، ابی عبدالله محمدبن النعمان الحارثی، المقنعه فی الاصول و الفروع، باب الحدود و الاداب.

(ط) عبدالعزیز بن البراج الطرابلسی الموهب، باب حدود به نقل از علی اصغر مروارید، سلسله التبايع الفقهية، الحدود، مؤسسه فقه الشيعه بيروت - لبنان ۱۴۱۰ ق. ۱۹۹۰ م جلد ۲۲ ص ۱۴۰.

(ی) حمزة بن علی، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع کتاب حدود به نقل از منبع پیشین ص ۱۹۹.

(ک) ابی منصور، محمدبن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، کتاب حدود، همان منبع ص ۲۱۱.

- در جرم زنا، علم به تحریم شرط ثبوت حد است. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه باب ۲۴ از ابواب مقدمات حدود حدیث ۴ و

جواهرالحکام جلد ۴۱ ص ۲۶۱ و ۳۰۸.

- اگر شخص جهل به تحریم داشته باشد حد بر او ثابت نمی‌شود. جواهرالکلام ج ۴۱ ص ۲۶۲ و ۴۵۰ و وسائل الشیعه باب

۱۶ از ابواب حد زنا حدیث ۴-۳ دلیل تأثیر جهل در جرم زنا، حدیث رفع، قاعده درء و صحیحه حمران می‌باشد. (وسائل الشیعه، جلد

۱۴ ابواب ما یجرم بالمعاصره باب ۱۷ حدیث ۱۷ ص ۲۴۸)

(۲) - آیتا... مرعشی، سید محمدحسن، نشریه حقوق دانشکده علوم قضایی دوره اول شماره اول ۱۳۷۰ صص ۱۰-۱۱.

(۳) - منبع پیشین.

گفتار دوم جرم مسکر

قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۶۶ علم به حکم و موضوع آن را از شرایط ثبوت حد مسکر دانسته است و مقرر می‌دارد: «حدمسکر بر کسی ثابت می‌شود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد.» اگر کسی ادعای به جهل نماید باید صحت دعوی وی محتمل باشد تا به حد محکوم نگردد. تبصره ۱ ماده مزبور اشعار می‌دارد: «در صورتی که شراب خورده مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد و صحت دعوی وی محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد.»

استفاد از ماده مذکور اینکه، از شرایط تحقق و اثبات حد مسکر، علم شارب به مسکر بودن (جهل موضوعی نداشته باشد) و حرام بودن (جهل حکمی نداشته باشد) می‌باشد.^(۱) قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۱۶۶ به جای عنوان «مسکر» از «شراب خورده» تعبیر نموده است و به نظر می‌رسد که مسامحه در استفاده از عناوین شده است درغیر این صورت طبق این تبصره، جهل به حکم و یا موضوع آن در آبجو، آب انگور جوشیده شده و ماءالشعیر و غیر اینها که مسکر هستند اما شراب نیستند، عذر نبوده و مرتکب جاهل باید به حد محکوم گردد

ناآگاهی کند در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می‌شود و حد ساقط می‌گردد.» باتوجه به ماده فوق‌الذکر، صرف ادعای به جهل و یا شبهه تأثیری در مسئولیت کیفری ندارد بلکه شرایط حاکم بر مدعی باید به گونه‌ای باشد که امکان اشتباه و یا ناآگاهی او نسبت به حکم و یا موضوع آن وجود داشته‌است.

نظریه:

شایسته بود قانونگذار شرایط پذیرش جهل و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری را در مواد مربوط به حد زنا مشخص می‌کرده چرا که بنابراینچه بیان شده است، زندگی در یک کشور اسلامی به منزله آگاهی کامل از قوانین و مقررات جاری آن است و ادعای به جهل نمی‌تواند مرتکب را از مسئولیت معاف دارد مگر اینکه امکان فراگیری و تحصیل علم برای مدعی وجود نداشته باشد (جهل قصوری). در نتیجه در واقع و حقیقت امر مواد مذکور در قانون مجازات اسلامی باید در خصوص جاهل قاصر باشد نه مقصر، چرا که درغیر این صورت با مبانی فقهی که اشاره شده است مغایرت آشکار دارد.

(۱) - شرایط بلوغ، عقل، اختیار و علم به مسکر و حرام بودن مسکر مستفاد از منابع معتبر فقهی و فتاوی مشهور فقهاست:

- شیخ نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام جلد ۲۱ الباب الرابع صص ۴۲۹ - ۴۵۰.

- شهید ثانی، شرح لمعه جلد ۹ فصل چهارم شرب مسکر صص ۲۰۲.

- علامه حلی، تبصرة المتعلمین فی احکام الدین جزء دوم الفصل العاشر فی حد المسکر صص ۴۱۰ - ۴۱۲.

- امام خمینی (ره) تحریر الوسیله، جلد دوم، الفصل الرابع فی حد المسکر مساله ۱ صص ۴۷۸.

- آیه... خوبی، سیدابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، جلد اول الثانی عشر شرب المسکر مساله ۲۱۷ صص ۲۶۷.

- محقق حلی، ابی القاسم نجم الدین جعفر بن حسن، المختصر النافع، کتاب الحدود و التعزیرات، الفصل الرابع فی

حد المسکر.

- علامه حلی، شیخ جمال الدین ابی منصور، قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام، کتاب حدود المقصد الخامس جاب

مصر - الفست قم.

بند ۵ ماده ۱۹۸ مقرر میدارد: «سارق بداند و ملتفت باشد که مال غیر است» و بند ۶ این ماده اعلام می‌دارد: «سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است.»^(۱)

اگر سارق فکر می‌کرد که مال خودش است و آن را بردارد و یا اینکه یقین داشته است که این مال از آن دیگری است لیکن مالک رضایت به عمل او دارد اما بعداً کشف شود که مالک رضایت به این عمل نداشته است، حد سرقت ثابت نمی‌شود. در نتیجه قانونگذار با ذکر دو بند ماده فوق‌الاشاره اطلاع سارق به حکم و موضوع آن را از شرایط اصلی تحقق جرم سرقت مستوجب حد دانسته است، یعنی، براساس بند ۵ این ماده اگر شخصی مالی را به گمان اینکه مال خودش است بردارد حد سرقت بر او ثابت نمی‌شود چرا که این شبهه موضوعیست است و از شرایط سرقت مستوجب حد، علم به موضوع آن، مال غیربودن، می‌باشد.

در ارتباط با جهل حکمی هم، سارق به دلیل عدم اطلاع از حکم قانونی میری از مسئولیت کیفری درخصوص جرم سرقت مستوجب حد می‌باشد.

شایان ذکر است قانونگذار در باب دوم (حد لواط)، باب سوم (مساحقه)، باب چهارم

در حالی که این امر خلاف فتاوی مشهور فقهاء است.

نظریه:

باب ششم قانون مجازات اسلامی از مواد ۱۶۵ تا ۱۸۲ درخصوص حد مسکر و براساس ماده ۱۶۶ آن درصورت جهل به حکم و یا موضوع حکم حد مسکر ساقط می‌شود. نظر به اینکه در این باب، به صورت کلی جهل مؤثر در مسئولیت کیفری شناخته شده است و درحالی که این امر مخالف با اصول مسلم اسلامی است، لذا با عنایت به اینکه جهل تقصیری نمی‌تواند عامل مؤثری بر مسئولیت کیفری باشد می‌بایست این مهم در موارد مذکور مورد توجه قانونگذار قرار می‌گرفت و فقط جاهل قاصر که امکان تحصیل علم برای او وجود ندارد، معذور شناخته می‌شد.

گفتار سوم: جرم سرقت

باب هشتم قانون مجازات اسلامی از کتاب دوم با هفت ماده درخصوص حد سرقت می‌باشد. شرایط و خصوصیات سرقت مستوجب حد، در ماده ۱۹۸ منعکس شده است و جهل حکمی و موضوعی در بندهای ۵ و ۶ این ماده به عنوان عذر پذیرفته شده است.

(۱)- در باب سرقت، فقهای اسلامی در کتب فقهی جهل به حکم و موضوع را موجب دره‌الحد دانسته‌اند:

- شیخ نجفی، محمدحسن، منبع پیشین، الباب الخامس فی حد السرقة ص ۴۸۱.

- شهید ثانی، همان مأخذ، الفصل الخامس فی السرقة ص ۲۲۱.

- علامه حلی، همان مصدر، الفصل الحادی عشر فی حد السرقة ص ۴۱۲.

- امام خمینی (ره) منبع سابق الفصل الخامس فی حد السرقة ص ۴۸۲.

- آیه... خوبی، همان منبع الثالث عشر السرقة ص ۲۸۲.

- محقق حلی، همان منبع و الفصل الخامس فی الحد السرقة.

- علامه حلی، منبع پیشین المقصد السادس فی الحد السرقة.

به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر مسؤولیت کیفری شناخته شده است.

در بخش حدود، فقط در حد زنا، مسکر و سرقت، جهل به عنوان عامل مؤثر معرفی شده است در حالیکه اولاً در بقیه حدود نیز در صورت جهل، باید حکم قضیه روشن گردد. ثانیاً قانونگذار مشخص نکرده است که کدام جهل می تواند مؤثر بر مسؤولیت باشد آیا جهل قصوری است یا تقصیری؟ آنچه مهم بنظر می رسد اینکه تنها جهل قصوری است که می تواند بر مسؤولیت کیفری مؤثر باشد نه جهل تقصیری.

در بخش قصاص، حکم کلی قضیه بیان نشده است اما جهل موضوعی در بند ج مواد ۲۰۶ و ۲۷۱ و نیز در مواد ۲۲۶، ۲۹۵ و ۲۹۶ مورد عنایت قرار گرفته است.

در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات بازدارنده (در مواد مختلف قانونی، علم به موضوع شرط تحقق موضوع جرم ذکر شده است، اما حکم کلی جهل حکمی و تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری بیان نشده است. شایان ذکر است شرح و تفسیر دو موضوع اخیر خود مقاله مستقلی را می طلبد و از حوصله بحث ما خارج است.

پاییز ۱۳۷۵

(قوادی)، باب پنجم (قذف) و باب هفتم (محرابه و افساد فی الارض) متعرض جهل حکمی و موضوعی نشده است و شایسته بود که در این گونه جرایم نیز حکم قضیه از طرف قانونگذار مشخص و معین می شده است.^(۱)

نظریه

در قانون مجازات اسلامی، در باب هشتم به طور کلی، جهل حکمی و موضوعی موجب معافیت سارق از مسؤولیت کیفری شناخته شده است در حالی که باید بین جهل قصوری و تقصیری فرق گذاشته شود و تنها کسانی را معاف دانست که عاجز از تحصیل علم به احکام و قوانین باشند.

دستگاه ثبت سرعت آن تغییر حاصل شده زمانی جرم می باشد که راننده با علم به چنین تغییری وسیله نقلیه را براند و اگر عالم به این مسئله نباشد عمل ارتكابی او جرم نخواهد بود.

نتیجه:

قانون مجازات اسلامی، در مواد عمومی (۶۲ ماده اول قانون) نسبت به جهل و تأثیر آن ساکت است اما در حدود، قصاص و تعزیرات و مجازات بازدارنده در مواد مختلف آن جهل

(۱) - همان طوری که قبلاً گفته شد، علت اصلی قبول جهل حکمی و موضوعی در جرایم زنا، مسکر و سرقت و تصریح آنها در مواد قانونی و همچنین سکوت قانونگذار در خصوص دیگر جرائم مستوجب حد ذکر آنها در منابع فقهی است. اما باید توجه داشت که سه جرم مذکور هیچگونه خصوصیت و ویژگی خاصی نسبت به دیگر جرائم مستوجب حد ندارند لذا باید حکم قضیه در آن جرایم نیز تبیین گردد. همان گونه که در بعضی از عبارات فقها ملاحظه می شود: «يعتبر فی السرقة و غيرها مافی حد ارتفاع الشبهة حکماً و موضوعاً...» [تحریر الوسیله جلد دوم ص ۴۸۲].
در سرقت و غیر آن؛ یعنی، دیگر جرایم مستوجب حد (کلیه جرایم مستوجب حد) شبهه حکمی و موضوعی نباید وجود داشته باشد.